

در حاشیه نوشتن نامه وزیر اقتصاد به «FATF»

واقعیات سخت اقتصاد



منصور بیطرف

روزنامه‌نگار و تحلیلگر اقتصادی

هفته‌های گذشته ۱۳۹۹، احسان خاندوزی، نایب‌رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس وارد خبرگزاری فارس می‌شود تا درباره بودجه ۱۴۰۰ و مسائل پیرامونی آن و از جمله «افای تی اف» صحبت کند. بودجه ۱۴۰۰ آخرین بودجه دولت روحانی بود و دولت دوازدهم می‌رفت که در مردادماه ۱۴۰۰ جای خود را به دولت سیزدهم و البته رئیس دستگاه قضایی وقت تحویل دهد. یکی از مهمترین مضامین اقتصادی دولت دوازدهم که از چشم ناظران سیاسی و اقتصادی پنهان نبود، جدا از تحریم‌هایی که ترامپ با خروج از برجام بر ایران وضع کرده بود، ماجرای ورود به «افای تی اف» بود. در دوره احمدی‌نژاد، ایران مبانی «افای تی اف» را پذیرفته بود و حالا فقط تصویب دو لایحه «سی اف تی» و «پالرمو» مانده بود که آن هم در مجمع تشخیص مصلحت نظام به بن بست خورده بود؛ و البته مجلس یازدهم که عمده اعضای آن را اصولگرایان تشکیل می‌دادند به شدت منتقد ورود به «افای تی اف» بودند. یکی از این اصولگرایان، احسان خاندوزی، نایب‌رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس بود. او در خبرگزاری فارس در پاسخ به آخرین سوال خبرنگار که از او درباره اصرار دولت روحانی برای اجرای کامل الزامات «افای تی اف» و تصویب لایحه «سی اف تی» و «پالرمو» و اینکه نظر مخالفان (خاندوزی مخالف سرسخت پیوسته به «افای تی اف» بود) چیست، گفته بود که «ایراد دولت و رویکردش این است که اساساً در مسئله‌شناسی، وزن بیش از حد عالی به موضوعاتی مثل خروج از فهرست سیاه FATF می‌دهد و بنده علی‌رغم اینکه آن را به عنوان مسئله‌ای در قد و قواره خودش رد نمی‌کنم، اما با این وزنی که دولت به مسئله خاص می‌دهد، مخالف هستم و به نظر من کاملاً درباره این بزرگمایی می‌شود که به عنوان یکی از موانع تجارت خارجی و مبادلات ارزی است. «او همچنین گفت: «مسئله FATF البته مسئله هست، تا این اندازه مهم نیست و در صحبت‌هایی که بنده با کنفدراسیون صادرکنندگان و فعالان اقتصادی و نمایندگان و ریزبانان ایران در کشورهای خارجی و امثال آنها در همین ماه‌های گذشته از مجلس یازدهم داشته‌ام، فعالان اقتصادی کف میدان تجارت خارجی، قائل به این هستند که این مسئله ضریب‌بزرگی ندارد و حداقل در شرایطی که موانع بسیار بزرگ‌تر تحریمی را داریم.» خاندوزی در پایان مصاحبه تاکید می‌کند تا زمانی



عکس: Leader.ir

با تاکید بر نقش علما، دانشگاهیان و نخبگان برای به میدان آوردن مردم در حوزه‌های مختلف و از جمله انتخابات

رهبری: وظیفه مسئولان حکومتی سنگین‌تر است

از قیام جریان ساز مردم قم، «نتیجه ملموس حضور مردم در صحنه» برشمردند و گفتند: «این درس بزرگ را، امام بزرگوار در سال‌های ۴۱ و ۴۲ با حرف و عمل به ملت آموخت و نشان داد که حضور مردم در میدان معجزه‌آفرین است.» آیت‌الله خامنه‌ای «تکیه بر توده‌های مردم» را «انتخاب راهبردی امام در قبال روش‌های رایج سیاسی از جمله نشست‌توپر خاست با احزاب و چهره‌های سیاسی» دانستند و افزودند: «امام در ۱۲ خرداد ۱۳۴۲ در فیضیه به میدان آمد، مردم را هم به میدان آورد و پرچم را به دست آنها داد که قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تهران، قم و ورامین و شهرهای دیگر، پاسخ ملت به این دعوت بود.» ایشان «قیام خودجوش ۱۹ دی مردم قم» را هم «پاسخی به درس امام برای حضور همیشگی در میدان» برشمردند و گفتند: «تکیه بر مردم البته درس امیر مومنان است که نهج البلاغه می‌فرماید توده‌های مردم تکیه‌گاه دین، بنده اصلی جامعه و ذخیره روز روزهایی در دشمن هستند.» آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که حضور رئیس‌جمهور در میان مردم را «پوپولیسم» می‌خوانند، گفتند: «مردمداری نقطه اصلی سیاست‌های نظام است؛ البته کیفیت کار کردن با توده‌های مردم هنر بزرگی است که باید در آن تأمل و تعمق کرد.» رهبری «جهت‌دهی دقیق» و «توان‌بخشی

مقام معظم رهبری دیروز در سالروز قیام مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ در دیدار هزاران نفر از مردم این شهر، با اشاره به «قدرت بی‌نظیر نقش‌آفرینی مردم»، «حضور و پرچمداری ملت در هر عرصه و میدان را، راهبرد مؤثر و راهگشای امام خمینی و نظام اسلامی؛ و بی‌انگیزه کردن و بیرون کشیدن مردم از صحنه را، راهبرد دشمنان سرزمین پاک ایران به‌ویژه امریکا و صهیونیسم» خواندند و تاکید کردند: «هرکسی در هر جایی زبان گویا، اثرگذار و مخاطب دارد، باید با معرفت‌افزایی، مردم را به حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر عرصه‌ها فراخواند.» آیت‌الله خامنه‌ای، «قرآن شهر قیام و معرفت و جهاد» نامیدند و با اشاره به «درس‌های ماندگار قیام خودجوش مردم مومن این شهر در ۱۹ دی ۱۳۵۶»، گفتند: «این حادثه عظیم که در اعتراض به اقدام رژیم وابسته در انتشار مقاله‌ای موهن نسبت به امام خمینی صورت گرفت، اثبات قدرت نقش‌آفرینی مردم در حوادث بزرگ است.» ایشان، «غزه را «مصدافی عینی از قدرت عظیم مردم» دانستند و گفتند: «گروه کوچکی از مردم در زمینی کوچک، امریکا با آن همه ادعا و رژیم صهیونیستی آویزان به امریکا را با قدرت صبر و ایستادگی خود، عاجز کرده‌اند.» رهبری سرنگونی رژیم وابسته و ظالم طاغوت را در فاصله حدود یک‌سال

زنی که برای آزادی زندگی می‌کرد

ادای دین و احترام به شهلا لاهیجی



مجید صیادی

مدیرکل امور کتاب وزارت ارشاد دولت خاتمی

خبر فوت شهلا لاهیجی، اهل فرهنگ و به‌ویژه ناشران و فعالان مدنی را متأثر کرد. کارنامه حرفه‌ای و فعالیت‌های مدنی او روشن و در دسترس است و این یادداشت در پی بررسی آنها نیست. این تلاشی خرد است با تکیه بر خاطرات و تجربه‌ی زیسته، جهت آشنایی با منش و شخصیت آن بانوی بزرگوار.

با کارهایش در حوزه‌ی انتشارات آشنا بود؛ بیشتر در نمایشگاه بین‌المللی تهران و غرفه‌ی انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. اما پاسخ کنجکاوهای ده‌هم برای آشنایی و شناختن زنی که مدیر آن بود را سال‌ها بعد یافتیم. زمانی که دیگر نه به‌عنوان ناشر یا روزنامه‌نگار، بلکه در جایگاه یکی از مدیران وزارت ارشاد در حوزه‌ی کتاب او را دیدیم. از همان ابتدا متوجه شدم با ناشری که فقط به فکر انتشار و فروش کتاب است روبرو نیستم. دغدغه‌های دیگری هم داشت. هر چند که با نگاهی به نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و کتاب‌هایی که منتشر کرده بود هم می‌شد به آنها پی برد اما پیگیری آن دغدغه‌ها در عمل و نحوه‌ی رفتار زوایای دیگری از منش او روشن می‌کرد. در حوزه‌ی فعالیت حرفه‌ای نشر، مخالف با سانسور و ممیزی قبل از چاپ و تقویت کار جمعی از دغدغه‌هایش بود. فعالیت‌هایش در نمایشگاه

کتاب تهران برای طرح مشکل سانسور ذیل فعالیت‌های جنبی ناشران در خاطره‌ها مانده است. در همه برنامه‌ها حضوری فعال داشت و از هر فرصتی برای رساندن صدای ناشران به گوش مسئولین استفاده می‌کرد. با سانسور و رانت‌خواری مخالف بود و بی‌لگنت مطالبه‌گری می‌کرد. با این همه هرگز از دایره‌ی ادب و انصاف خارج نمی‌شد. بر مطالبه‌گری از طریق ظرفیت‌های قانونی اصرار داشت. نمونه بارز آن وقتی بود که خیلی‌ها از حل مشکل سانسور ناامید شده بودند، چراکه پیگیری‌های ناشران از طریق دولت و مجلس بی‌نتیجه بود و حتی ابتکار وزارت ارشاد در سپردن مسئولیت انتشار کتاب‌ها به ناشران (به صورت اختیاری) و حذف بررسی و ممیزی قبل از چاپ نیز تعطیل شده بود. اما شهلا لاهیجی ناامید نشد و دست از تلاش نکشید. این بار به همراه تعداد دیگری از زنان ناشر علی‌ه وزارت ارشاد به دلیل سانسور در دیوان عدالت اداری شکایت کرد. (البته که آن تلاش هم بی‌نتیجه بود) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و صنفی و قدرشناسی بانوی نشر ایران او را متمایز می‌کرد. در یک روز سرد زمستانی برای حضور در دانشگاه به‌عنوان متهم به خاطر صدور مجوز کتابی تعیین وقت شده بود. وقتی رسیدیم او آنجا بود. خیلی زود معلوم شد که صرفاً برای همراهی آمده. به قول خودش وظیفه‌ی اخلاقی‌اش بود آن هم در زمانی که دیگر مسئولیتی نداشتیم. زنان و تلاش برای رفع تبعیض از آنان در شکل‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بخش قابل‌توجهی از فضای فکری و کاری او را تشکیل می‌داد. با نگاهی به آثار و کتب منتشرشده، فعالیت‌های مدنی و رسانه‌ای او به خوبی نمایانگر است. با این وجود از انجام کارهای نمایشی و هیجانی پرهیز داشت. ناامیدی و خستگی، با وجود تلاش بسیار و گاه نتیجه‌اندک از او دور بود.

همه‌ی امکانات زندگی در خارج از کشور برایش فراهم بود. با این وجود ماندن و تلاش کردن برای ساختن و بهترساختن اینجا را با وجود همه سختی‌ها و سختگیری‌ها ترجیح می‌داد. می‌گفت اینجا خانه‌ی من است. خارج از خانه آرامش ندارم. اکنون آرام یافت و به آرامش رسید. روحش قرین آرامش و یادش گرامی.

شخصی در مراسم محدود عمومی و خصوصی نیست چون نمی‌توان با همه مردم مواجه شد. رسانه‌ها این وظیفه را بر عهده دارند. روزنامه «هم‌میهن» تاکنون چند بار به این مسئله پرداخته است. نتیجه حضور رویکردهای سنتی در مدیریت جامعه مدرن همین است. به‌علاوه مگر خودتان یا نزدیکان‌تان و نمایندگان مجلس دارو مصرف نمی‌کنید؟ طبیعتاً استفاده می‌کنید. پس چرا دچار کمبود نشده‌اید؟ نکته دوم، تهدید وزارت بهداشت است. اگر این تهدید کارگر بیفتد، معنایش این است که آنها کار را از روی ترس انجام می‌دهند و نه برای رضایت خدا و مردم و اگر کارگر نیفتد معنایش این است که ناتوان هستند. مسئولیت هر دو حالت به عهده مجلس و رئیس آن است.

گزارش پارلمان

اعتراف دارویی مجلس



پریسا هاشمی

گزارشگر پارلمانی هم‌میهن

پزشکی در مناطق محروم خیر داده و تاکید کرد: «به‌رغم تلاش‌های بسیار زیاد وزارت بهداشت باید به تلخی اعتراف کرد که وضعیت حوزه سلامت مطلوب نیست و کمبود پزشک، دارو و تجهیزات پزشکی بیداد می‌کند. البته وزارت بهداشت مقصر این مشکلات نیست بلکه بانک مرکزی از مورد نیاز دارو را به موقع تخصیص نمی‌دهد و اگر ماهانه ۳۰۰ میلیون یورو تخصیص می‌یافت در حال حاضر دارو خانه‌ها شرایط فعلی را داشتند.»

علی‌اصغر باقرزاده، نماینده مجلس نیز حذف کنندگان ارز تر جیحی را مقصر شرایط موجود در حوزه سلامت دانسته و گفت: «افزادی که مدافع حذف ارز تر جیحی بودند امروز باید پاسخگوی کمبود دارو در کشور باشند چرا که این مسئله به چالشی جدی تبدیل شده است البته ما این چالش را پیش‌بینی کرده بودیم. وجود اینکه ۱۲۰ همت در حوزه دارویی نیاز داشتیم و صرفاً ۶۰ همت مدنظر قرار گرفت اما همین ۶۰ همت نیز تخصیص داده نمی‌شود.»

مسعود پزشکیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز تاکید کرد: «دولت باید قانون را اجرائی کند. در حال حاضر ۶۰ هزار میلیارد تومان برای ماه‌به‌التفاوت دارو پرداخت کرده در صورتی که این رقم باید به ۱۲۵ الی ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسید، برنامه بودجه برای هدفمندی یازانه‌ها حدود ۶۰ میلیارد تومان پرداخت می‌کند که این مبلغ برای بیماران صعب‌العلاج و کسانی که گرفتار هستند باید اختصاص یابد. بیمارستان‌ها قدرت پرداخت هزینه به شرکت‌های دارویی را ندارند.»

حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز گفت: «متأسفانه دارو‌هایی کمیاب است که حیاتی هستند کم‌اینکه بیماران قلبی برای تهیه ورفارین و بیماربان پیوند کلیه و مبتلا به گلوکوم در تهیه داروهای شان با مشکل مواجه شدند؛ پس تعداد داروهای کمیاب مهم نیست چرا که شامل داروهای حیاتی می‌شود.» او به وزیر بهداشت گفت: «اما وقتی از عدم تحقق مطالبات این حوزه گلایه می‌کنیم رئیس دولت می‌گوید وزیر شما خیلی محجوب است. این در حالی است که لجابت در حوزه سلامت و رفع مشکلات مردم جایی ندارد. شما می‌خواهید حرمت دولت را نگاه دارید که ماه‌ها همین را می‌خواهیم اما به چه قیمتی، به قیمت اینکه بیماری به دلیل دیر رسیدن دارو قابل برگشت نباشد یا دچار عوارض جدید شود؟»

حکمرانی اشتباه دولت‌ها در بخش دارویی

تولیدکنندگان دارو اما قیمت‌گذاری دستوری را یکی از آسیب‌های اصلی حوزه خود می‌دانند. یکی از تولیدکنندگان که درخواست نامش فاش شود، به هم‌میهن گفت: «بر این عقیده‌ایم که حکمرانی بخش دارویی روند درستی را طی نمی‌کند، به همین دلیل در مقاطع مختلف بسته، پفک، تخمه و مواد غذایی کمبودی وجود ندارد، اما دارو دچار کمبود می‌شود. علت اصلی این کمبود، نحوه حکمرانی

معین‌الدین سعیدی، نماینده چابهار نیز از نبود عدالت در توزیع تجهیزات